

یه جنگلی بود که توی اون جنگل، مامان خوک با بچه هاش زندگی می کردند. مامان خوک قصه ما سه تا پسر داشت که اسم بچه هاش مومو، توتو و بوبو بودش.

یه روزی از روزهای خدا مامان خوک به بچه هاش می گه : بچه های من شما دیگه بزرگ شدین. باید برای خوتون یه خونه بسازین و زندگی جدید رو شروع کنید



مومو که از همه بزرگتر و البته از همه تنبل تر بود پیش خودش فکر کرد که چرا باید به خودش یه عالمه زحمت بده . بخاطر همین با شاخ و برگهایی که اطرافش ریخته بود ، یه خونه کوچولو برای خودش درست کرد .

اما توتو که یه کوچولو زرنگتر بود با تنه درختها برای خودش یه خونه چوبی ساخت

ولی بوبو خیلی باهوش بود برای خودش یه خونه محکم با سنگها ساخت .



گذشت و گذشت و یه روز مومو جلوی خونش زیر آفتاب استراحت می کرد که یهو گرگ بدجنس مومو رو دید. گرگه اومد جلو که مومو رو بگیره و بخوره و مومو زود رفت توی خونه و در رو بست. گرگه گفت : خیال کردی! الان یه فوت می کنم و خونتو خراب می کنم و بعدش هم تو رو یه لقمه می کنم. بعد هم یه نفس عمیق کشید و خونه مومو رو فوت کرد و خونش خراب شد .

مومو هم پا به فرار گذاشت و رفت رفت تا رسید به خونه توتو . در زد و داد زد و فریاد زد که توتو در رو باز کن که گرگه دنبال منه و می خواهد منو بخوره. توتو در رو باز کرد و گفت: نگران نباش خونه من محکمه. گرگ بدجنس نمی تونه خونه منو خراب کنه. اما گرگ ناقلا و بدجنس قصه ما یه کبریت زد و خونه توتو رو هم به آتش کشید .

مومو و توتو پا به فرار گذاشتند. دویدند و دویدند و رفتند پیش بوبو. داد زدند که بوبو بوبو! گرگ بدجنس. بوبو در رو باز کرد و گفت : نترسید نترسید! بیاین تو . مومو و توتو رفتند تو خونه بوبو و در رو بستند .



گرگه گفت الان فوت می کنم و خونشو خراب می کنم. اما خونه بوبو خراب نشد. گرگه یه ذره فکر کرد و گفت: آها الان خونشو با یه کبریت آتیش میزنم. اما بچه ها خونه بوبو با کبریت هم آتیش نگرفت. اگه گفتین چرا؟! بله! چون جنس خونه بوبو از سنگ بود بچه ها. گرگ بدجنس رفت که از توی دودکش بره پایین.



بچه خوک ها هم که فهمیدند زودی رفتند و بخاری رو روشن کردند. گرگ نافلا داد زد آهای! سوختم سوختم. بخاری رو خاموش کنید. خودشو از دودکش کشید بیرون و پا به فرار گذاشت .



اینجوری شد که بچه خوک ها متوجه شدند که هر کاری که قراره انجام بدهند باید با دقت انجام بدهند چون اگه اون کار رو درست و مرتب انجام ندهند اینجوری به مشکل می خورند.

ایستگاه کودک